

رهایی از زنجیر شیطان

انجیل لقا 11؛ 14-23



14 عیسی یک دیو لال را از شخصی بیرون می‌کرد و وقتی دیو بیرون آمد مرد لال شروع به حرف زدن کرد و مردم حیرت کردند. 15 اما بعضی‌ها گفتند: «او به وسیلهٔ بعزبول، رئیس شیاطین، دیوها را بیرون می‌راند.» 16 دیگران از راه امتحان از او تقاضای نشانه‌ای آسمانی کردند. 17 اما او افکار آنان را درک کرد و فرمود: «هر سلطنتی که علیه خودش تقسیم شود رو به خرابی می‌گذارد و خانواده‌ای که دو دستگی در آن باشد سقوط خواهد کرد. 18 همچنین اگر شیطان علیه خود تفرقه بیندازد، سلطنتش چطور برقرار خواهد ماند؟ باری شما ادعا دارید که من به وسیلهٔ بعزبول دیوها را بیرون می‌رانم. 19 اگر من به وسیلهٔ بعزبول دیوها را بیرون می‌رانم، یاران خود شما به چه وسیله آنها را بیرون می‌رانند؟ آنان ادعای شما را تکذیب خواهند کرد. 20 اما اگر با قدرت خداست که من دیوها را بیرون می‌رانم، یقین بدانید که پادشاهی خدا به شما رسیده است. 21 «وقتی مرد زورمندی که کاملاً مسلح است از قلعهٔ خود نگاهیانی می‌کند، دارایی او در امان است. 22 اما وقتی کسی زورمندتر از او به او حمله کند، او را از پای در می‌آورد و تیرها و زرهی را که تکیه‌گاه او هستند، می‌برد و دارایی‌اش را تاراج می‌کند. 23 «هرکه با من نباشد، برضد من است و هرکه با من جمع نکند، پراکنده می‌سازد.»

حجت بن الحسن یا همان امام مهدی، کسی است که میلیون‌ها مسلمان شیعه از او پیروی می‌کنند. آنها منتظر این هستند که او که دوازدهمین امام می‌باشد به همراه عیسی مسیح از آسمان‌ها بیاید و در این جهان صلح برقرار کنند. ولی هیچ کس از این امام مهدی به خوبی نمی‌داند که چه کسی می‌باشد. بعد از فوت شدن یازدهمین امام شیعیان، یک بحث بزرگی بوجود آمد که حال باید آنها از چه کسی پیروی کنند. بعد از فوت یازدهمین امام همه قصد داشتند تا پسر او را به قتل برسانند برای همین خداوند او را از نظرها محو می‌کند و او را به آسمان‌ها می‌برد و از آن زمان تا الان او از آن بالا بر زمین حکمرانی می‌کند. از این دوازدهمین امام و از وجود او ما اطلاع آشکار و مستندی نداریم. ما نمی‌توانیم عیسی خودمان را با این دوازدهمین امام مقایسه کنیم. زیرا عیسی مسیح اصلاً بصورت پنهانی ناپدید نشده است و همه چیز او به روشنی عنوان شده است. در اول انجیل از او گفته می‌شود و حتی توسط پیامبران دیگر در عهد عتیق پیش‌گویی می‌شود. و جایی که او متولد می‌شود و اعمالی که او انجام می‌دهد را کاملاً توضیح می‌دهند. عیسی روحی نمی‌باشد که در بالای این داستان‌ها بصورت پنهان قرار داشته باشد. او در یک خانواده کاملاً طبیعی زندگی کرد و همه دیدند که او مسیح است و چگونه او می‌تواند به عنوان یک آدم در کنار آنها زندگی کند. و او اعمال خودش را بدون هیچ شک و تردیدی انجام می‌داد. او پسر خداوند است و او به زمین آمده است تا همه را از گناهان نجات دهد. عیسی همه اینها را عنوان کرده است و همچنین معجزات بزرگی انجام داده است. مخالفان اولین مسیحان این را انکار نکرده بودند که او زندگی نکرده است و یا معجزه‌ای نکرده است و یا او در صلیب نمرده است و قبر او خالی نبوده است. ولی توضیحات آنها در اینباره نسبت به مسیحیان به گونه دیگری می‌باشد. حتی ما امروز در آیه‌ها این را می‌خوانیم که مخالفان او معجزات او را انکار نکردند. تنها آنها شخصیت و خود وجود عیسی را به نحو بدی انکار کرده‌اند. زیرا آنها گفتند که عیسی یکی از شخصیت‌های شیطان می‌باشد. و او همه معجزات را توسط قدرت شیطان انجام داده است. خداوند از طریق عیسی به روشنی در اینباره سخن گفته است. شیطان انسان‌ها را به روز سیاه می‌کشاند. همانطوری که او آدم و حوا را به نابودی کشاند. همه اعمال او برخلاف خواسته‌های خداوند می‌باشد. و او این کار را تا به امروز انجام می‌دهد. شیطان در آن زمان، آن درخت مرگ را برای آدم طور دیگری نشان داد. و آن درخت مرگ می‌بایستی آدم و حوا را به خدا نزدیکتر می‌کرد.

و یا آنها را همانند خدا تبدیل می کرد. شیطان این کارها را همچنین تا به امروز انجام می دهد. او چیزهای بد خودش را اینگونه در دل همه جای میدهد: تاریکی را به جای روشنایی، سیاه را به جای سفید و تنفر را به جای محبت جلوه می دهد. حتی او این ابزارها را در زمان خود عیسی استفاده نموده است. او قصد داشته که انسان ها را از عیسی دور نگه دارد. و او اینکار را از طریق یک روش نشان دادن یک شخص با ایمان انجام داده است و به همه می گوید که عیسی این معجزات را با دست های خودش و با نیروی شیطانی انجام می دهد. از طرفی دیگر شیطان عیسی را همیشه به یک مبارزه ای فرا می خواند. و عیسی می بایستی قدرت خودش را در جلوی همه استفاده می کرده است. او می بایستی ستاره ها را به سوی زمین رها می کرد و یا با قدرت خودش تمام خدایان دیگر را بایستی نابود می کرد. ولی عیسی این کارها را انجام نداد زیرا اگر خداود از آسمان ها با تمام قدرتش بر روی زمین بیاید دیگر ایمان ما هیچ معنی پیدا نمی کند. اگر خداوند با تمام قدرتش برای همه ظاهر گردد بایستی دیگر همه انسان ها او را بشناسند. حتی آن بی خدایان هم بایستی خیلی سریع این موضوع را تلذیب کنند. زیرا این عمل بایستی به آنها یک تاییدیه ای بدهد که او خود خدا می باشد. عیسی به سوی ما انسان ها می آید ولی نه با نشانه های عجیب و یا با قدرتش. و عیسی همانند آن امام دوازدهم نمی باشد که هیچ کس او را ندیده باشد بلکه او دقیقاً انسان شده بود. و عیسی به حقیقت به سوی ما می آید تا ما به او ایمان بیاوریم و به او نزدیک شویم. و کارهای عیسی که برای ما انجام می دهد را ما نمی توانیم با مغزمان درک کنیم. و کارهایی که مخالفان عیسی انجام داده بودند که او را به یکی از عوامل شیطانی نسبت دهند را می توان بخوبی فهمید. زیرا همه موفقیت های زمینی می تواند از شیطان بیاید و شفا دادن بیماران نیز از آنجا باشد. ولی آن زمانی که عیسی به اینجا آمد به همه نشان داد که همه آن چیزها با آن گفته ها فرق دارد. و آن زمانی که عیسی به هدف خودش رسیده بود و در صلیب کشته شد همه آن سخن ها طور دیگری رقم خورد. همه اینها روش های شیطانی است که خود شیطان بکار می برد. حتی آن افرادی که خود عیسی را به صلیب می کشند یکی از این راههای شیطانی را پیش می گیرند. و زمان به صلیب کشیدن عیسی مهمترین تضاد دنیا رقم می خورد. زیرا خدا و شیطان هر دو می خواهند که عیسی را به صلیب بکشند. و فقط در آنجا شیطان بر خدا قلمه می کند و باعث می شود که مردم عیسی را به صلیب بکشند. و در آخر هم خداوند اجازه می دهد تا شیطان این عمل را انجام دهد تا عیسی بر بالای صلیب جان بدهد. خداوند اینگونه همه را نجات می دهد و او با یک قدرت بزرگی به سوی ما نمی آید تا ما در مقابلش زانو بزنیم. او به عنوان یک انسان به نزد ما می آید و در بین ما زندگی می کند. او آنقدرت خودش را به ما نزدیک می کند که ما او را با شیطان اشتباه می گیریم. ولی خداوند نمی خواهد که ما زمانی که او را می یابیم شک داشته باشیم. و همچنین او دوست ندارد که در زمان نجات ما، ما دارای شک باشیم. آن مرد داستان ما که از روح پلید آزاد شد توانست به خوبی قدرت خدا را حس کند. قدرت خداوند از زبان عیسی بیرون آمد و به خوبی به همه نشان داد که چه قدرتی دارد. کلام عیسی توانست تفاوت بزرگ پلیدی شیطان و قدرت خداوند را نشان دهد. جایی که آن مرد از زنجیر پلیدی آزاد شد توانست درک کند که کجا نجات حقیقی وجود دارد. شیطان با تمام قدرت و ابزار خودش در برابر عیسی ظاهر می گردد تا با او بجنگد ولی عیسی با همان روش در مقابل او نمی ایستد. ابزار عیسی روح و کلام خدا می باشد. و شیطان در برابر اینها هیچ قدرتی ندارد. و او بایستی این قدرت خدا را بپذیرد و اینگونه است که قدرت خدا بر روی زمین آمده است. و عیسی تا به امروز این کار را انجام می دهد جایی که مردم کلام او را می شنوند و به او ایمان می آورند. شیطان ولی با تمام ابزارهای خودش در برابر عیسی می جنگد و شک را در همه جا پخش می کند. شیطان اتحاد اجتماع کلیسایی را از بین می برد و حتی مسیحیان را تحت تعقیب قرار می دهد و آنها را اذیت می کند. و مثال هایی می توانیم در این زمینه بزنیم: مثل مشکلات خانوادگی، جدایی ها، شک در برابر کلام خدا و تنفر از او. و برای همین ما به کلام عیسی نیاز داریم که همیشه شیطان را از ما دور کند و ما را از او آزاد سازد. برای همین ما در دعای پدر آسمانی این را می گوئیم که: ما را از پلیدی رهایی ده.

مارتین لوتر این را همیشه گفته است که یک انسان مثل یک حیوان باری می ماند که یا خدا بر روی او می نشیند و یا شیطان. اگر خدا بر روی ما بنشیند ما هم او را دنبال خواهیم کرد و اگر شیطان بر روی ما بنشیند ما هم از شیطان پیروی خواهیم کرد. و این از خواست های ما خارج می باشد و خود خدا و شیطان هم در ما در حال مبارزه هستند. اگر خدا در زندگی ما حضور دارد بنابراین ما غسل تعمید می گیریم و عیسی را پیروی می کنیم و همیشه به آن اهداف خدایی می رسیم. و همانطوری که مارتین لوتر در اولین تز خودش این را نوشته است: هر روز توبه بکنیم. در خطبه امروز هم عیسی به ما می گوید که:

«هرکه با من نباشد، برضد من است و هرکه با من جمع نکند، پراکنده می سازد.»

وقتی که من این را می شنوم این را متوجه می شوم که من به عنوان یک مسیحی نمی توانم خوب زندگی کنم. و یا در این اروپا که در همه جا می توان بدون هیچ فشاری به عنوان یک مسیحی زندگی کرد، باز هم نمی شود به خوبی زندگی کرد. و جایی که آدم نمی تواند تفاوت بین مسیحیان و افراد غیر مسیحی را ببیند، بایستی این را دقت کند که همراه امیال شیطانی نشود. در ملکوت عیسی هیچ مایبنی وجود ندارد و برای همین نیز هیچ مسیحی و یا غیر مسیحی وجود ندارد. من نمی توانم هم به امام دوازدهم و هم به عیسی ایمان داشته باشم. همچنین ما نمی توانیم انسان ها معتاد را طور دیگری بنگریم زیرا می توان آنها را دوباره به زندگی روزمره برگرداند. ما این را باید بدانیم که همه گناه کار هستیم و ما همیشه دنبال گناه کردن هستیم. و برای همین نیز ما مسیحیان نیز همین اعمال را انجام می دهیم. ما برای بخشش گناهان ما همیشه به عیسی نیازمندیم. و کلام و پیغام و ملکوت خدا به همه آرامش می بخشد. من یک گناهکار هستم و همیشه به نجات و کلام عیسی نیاز دارم. و همیشه به این کلام او نیاز مند: گناه تو در اینجا بخشیده شده است.